

به بررسی محدوده قانونی برای تحقیق و تفحص از آستان قدس و بنیاد مستضعفان پرداخته است و این اقدام را محل تردید ندانسته است. تحقیق و تفحص از بنیاد مستضعفان یک بار و آن هم در مجلس چهارم انجام شد. آن تحقیق و تفحص بر روی ۱۵۰ پرونده بنیاد مستضعفان و به صورت تصادفی انجام شد و به گفته عباس عیدی «یک گزارش سراسر آکنده از فساد را منتشر کردند... این گزارش در آخرین روزهای آن مجلس ارائه و سپس به بایگانی سپرده شد.» در سال ۹۲ مجلس نهم یک بار دیگر موضوع تحقیق و تفحص از بنیاد مستضعفان را به دلیل بررسی عملکرد مدیران و همچنین تملک اراضی در شمال کشور مطرح کرد؛ که به نتیجه‌ای نرسید یا هیچ وقت در مجلس قرائت نشد.

با وجود آنکه بر اساس تفسیرهای حقوقی و حتی تأکید رهبری بر امکان و ضرورت تحقیق و تفحص از دستگاه‌های زیرمجموعه رهبری، منع قانونی روشنی برای ورود نهادهای نظارتی وجود ندارد، اما در عمل هیچ‌یک از این نهادها در معرض نظارت مؤثر قرار نگرفته‌اند. مجلس در ادوار مختلف یا اراده‌ای برای آغاز این فرآیند نداشته یا طرح‌های آغازشده را نیمه راه رها کرده است. از سوی دیگر دولت، به‌عنوان مجری نیز عملاً اختیار و ابزار کافی برای اعمال نظارت بر این مجموعه‌ها ندارد و گاه حتی بخشی از بودجه عمومی را به نهادهایی اختصاص می‌دهد که اصولاً از منابع و دارایی‌های کلان مستقل برخوردارند. این ساختار، شبکه‌ای از روابط قدرت و لابی سیاسی را شکل داده که دولت‌ها به تعامل با نهادهای فرادولتی در شرایطی که نظارتی بر سرمایه‌های عظیم موجود در اختیار آنها وجود ندارد ادامه می‌دهند؛ نهادهایی که سهم بالایی از منابع مالی کشور را در اختیار دارند اما پاسخ‌گویی آن‌ها در برابر سازوکارهای رسمی و منتخب مردم حداقلی است.

▼ حکمرانی دوگانه؛ دولت کوچک، نهادهای قدرتمند

در شرایطی که دولت خواهان کوچک‌سازی اداری و ساختاری خود است و این مسئله در گفتار به یکی از دغدغه‌های نخست رئیس‌جمهور تبدیل شده است، ضروری است که در یک فرآیند شفاف و نظام‌مند، اولاً بودجه‌هایی که در اختیار این دست نهادها قرار می‌گیرد منتشر و عملکرد سالانه و خروجی هزینه‌کرده‌ها نیز مشخص شود. ثانیاً تحقیق و تفحص از نهادهایی که سهم بالایی از ثروت کشور را در اختیار دارند در دستور کار نهادهای نظارتی قرار گیرد. این رویکرد حالا به شکل‌گیری حکمرانی دوسطحی در کشور دامن زده است؛ در یک سطح دولت به عنوان نماینده مردم که مسئولیت بودجه‌ریزی، اجرای آن و پاسخگویی به افکار عمومی را دارد و در سطح دیگر نهادهای فرادولتی که با در اختیار داشتن منابع گسترده، بازیگران اصلی عرصه اقتصاد و سیاست در ایران شده‌اند. این وضعیت موجب برهم زدن تعادل میان قدرت و مسئولیت شده است؛ به گونه‌ای که با در اختیار داشتن بخش بزرگی از ثروت کشور، پاسخگویی متناسب با آنها وجود نداشته است و همین امر امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری یکپارچه را از دولت سلب کرده است. در چنین چارچوبی، حتی طرح‌هایی مانند کوچک‌سازی دولت، اصلاح ساختار بودجه و مقابله با فساد، بدون شفاف شدن کارنامه مالی و اجرایی تمامی نهادها و قرار گرفتن آنها در معرض نظارت رسمی، عملاً امکان تحقق ندارند. از این منظر، شفاف‌سازی بودجه‌ای، حسابرسی عملکرد و تحقیق و تفحص از نهادهای دارای نقش اقتصادی فرادولتی نه یک اقدام سیاسی بلکه پیش‌شرط بازسازی ظرفیت حکمرانی و احیای اعتماد عمومی است.

همه فرمایش شما درست است. در همه حکومت‌ها مهمترین ابزار اقتصادی که هم عامل توسعه و هم عامل عدم توسعه است، مهمترین ابزار مالی است که دولت‌ها در اختیار دارند و زمانی که بخش بزرگی از قدرت بودجه در اختیار دولت نباشد، در شرایطی که پیش نیاز توسعه، دولت مقتدر است و این ابزار مهم دولت که همان بودجه است را در اختیار ندارد و بخش بزرگی از بودجه خارج از کنترل دولت باشد - منظور از بودجه بیت‌المال و اموال عمومی است که متعلق به تمام مردم است - و بخش بزرگ دیگری نیز از نظارت‌پذیری خارج باشد و قابلیت نظارت و شفافیت نداشته باشد، با دولتی مواجه هستیم که کارآمدی لازم برای اجرای برنامه‌هایی که از طرف ملت مأمور شده است آنها را انجام دهد را ندارد. در این شرایط شاید در دسترس‌ترین بخش، اصلاحات بودجه باشد که هم اصلاحات در نظام بودجه‌ریزی، هم نظام برنامه‌ریزی و هم در حوزه مبارزه با فساد را شامل می‌شود. البته این یک اراده سیاسی و تصمیم می‌خواهد. بازسازی اقتدار دولت در بخش‌هایی که به وسیله گروه‌های به ظاهر همراه دولت اما در خارج از دولت به یغما رفته، اقتدار دولت را تضعیف کرده است.

«چرا مجلس به امر تحقیق و تفحص از این نهادهای فرادولتی در ادوار مختلف ورود نکرده است؟ در جایی که رهبری هم اجازه تحقیق و تفحص از نهادهای زیر نظر خود را داده‌اند...»

مهمترین مشکلی که در ساختار حکمرانی و به‌ویژه در مجلس داریم تعارض منافع است. افرادی که الان در مجلس نماینده هستند، صد درصد نمایندگی را مدیون رای و رضایت مردم نیستند، می‌دانند به این دلیل نماینده شدند که از منابع قدرت دیگری هم حمایت شدند و آن تعارض منافع باعث شده است به وظیفه اصلی خود عمل نکنند و نگرانی از ردصلاحیت نیز همیشه به جای خود باقی است.

صادق زیباکلام، استاد علوم سیاسی در گفت‌وگو با هم میهن با تأکید بر سهم سنگین نهادهای خاص از بودجه کشور و نبود شفافیت در عملکرد آنها می‌گوید ساختار بودجه‌ریزی سال‌هاست از اختیار نهادهای انتخابی خارج شده است.

«دولت در فصل ارائه بودجه قرار دارد و یک بار دیگر بودجه نهادهای خاص و گروه‌هایی که سهم بالایی از ثروت کشور را در اختیار دارند، مطرح می‌شود. دولت در قبال نهادهای خاص با بودجه بسیار چه مسئولیتی دارد و چگونه می‌تواند سهم آنها را از بودجه‌های دولتی کاهش دهد؟»

کل بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۴ معادل ۵ هزار و ۴۰۰ همت است. بخش‌هایی برای بهداشت و درمان، آموزش و رفاه و مصارف مختلف هزینه شده است که جای بحث نیست اما بحث بر سر بودجه‌هایی است که از سال‌های گذشته، شاید از ابتدای انقلاب بوده و معلوم نیست که مردم چقدر موافق این هزینه‌ها هستند. البته مراد از مردم نمایندگان مردم است که در مجلس بودجه را تصویب می‌کنند. مثلاً مجمع جهانی اهل بیت، در سال جاری ۲۹۱ میلیارد تومان هزینه داشته است. مجمع تقریب مذاهب ۹۱ میلیارد تومان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۹۶۴ میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۹ هزار میلیارد تومان، موسسه امام خمینی ۴۵۰ میلیارد تومان وزمانی که این اعداد تجمیع می‌شوند عدد قابل توجهی است. البته به اینها بودجه ارشاد و صدواوسیما را نیز اضافه کنیدکه مجموع آنها رقم باورنکردنی ۶۴ هزار میلیارد تومان صرف امور مذهبی و دینی می‌شود. اینها را با بودجه دانشگاه تهران و سازمان حفاظت محیط زیست مقایسه کنید، در کشور ما برای محیط زیست ۸ همت هزینه می‌شود و برای دانشگاه تهران حدود ۶/۵ همت در حالی که برای تبلیغات اسلامی ۶۴ همت هزینه می‌شود.

«نگاه مردم به این موضوع و برداشتی که از این بودجه‌ریزی دارند از دیگر مسائل است. چگونه باید اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی لازم در باره بودجه موسسات و نهادهای مختلف انجام گیرد؟
ایا اگر یک نظرسنجی انجام شود مردم با این توزیع بودجه موافق هستند که ۸ همت صرف سازمان محیط زیست شود که متولی منابع طبیعی کشور است؟ سال گذشته این بودجه به تصویب رسید، امسال هم به همین متوال خواهد بود، چهسا که با توجه به قدرت تدروها در مجلس، همین ارقام افزایش هم پیدا کند. سوال اساسی این است که مردم از این وضعیت آگاهی دارند؟ فکر نمی‌کنم خیلی از مردم رضایت داشته باشند که چنین بودجه‌هایی بدین صورت

صادق زیباکلام استاد علوم سیاسی:

بودجه نهادهای خاص يك بار برای همیشه حل شود

توزیع شود. اینکه دولت آقای پزشکیان چقدر در این زمینه‌ها مقاومت کند و بودجه‌های این چنینی را کاهش دهد و به نهادهای نیازمند از جمله محیط زیست اضافه کند محل سوال است. سوال دیگر نیز این است که آیا رئیس‌جمهور اراده‌ای دارد که سهم بیشتری از بودجه را برای نهادهایی که نیاز واقعی به این بودجه‌ها دارند اختصاص دهد؟

امیدوارم دولت آقای پزشکیان اراده‌ای داشته باشد و مصمم باشد تا توزیع بودجه را عادلانه اختصاص دهد. ممکن است دولت آقای پزشکیان بگوید ما خواستیم که این کار را انجام دهیم و اجازه ندهیم توزیع بودجه اینگونه باشد اما مجلس موافقت نکرد و در این شرایط مردم باید بدانند که ما چه مجلسی داریم و نمایندگان با بودجه مملکت چکار می‌کنند. بخشی که به‌قوه مجریه مربوط می‌باشد نیز باید پاسخگو باشد که چطور بودجه‌های عمومی را هزینه می‌کند.

«بخش زیادی از بودجه برای نهادهای فرادولتی هستند که البته گفته می‌شود در بودجه‌نویسی رقم بودجه آنها اندک است؛ از جمله ستاد اجرایی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و... اما اینها بخش قابل توجهی از ثروت کشور را نیز در اختیار دارند و نظارت بر آنها نیز سخت است. در مجلس چهارم یک نامه‌نگاری برای تحقیق و تفحص از آنها با رهبری انجام شد که موافقت کردند. اما مجلس‌های مختلف چندان پیگیری این موضوع نبودند. چرا چنین رویکردی مورد اقبال نمایندگان ادوار مختلف مجلس قرار نمی‌گیرد؟»

مجلس صرفاً در رابطه با ۵ هزار و ۱۸۰ همت بودجه دولت است که رسیدگی می‌کند چرا که دولت مستقیماً آن را خرج می‌کند، اما نهادهایی که زیرمجموعه بخش انتصابی هستند که به آنها اشاره کردید، معلوم نیست چقدر بودجه دارند، چقدر هزینه می‌کنند و چطور خرج می‌کنند. مثلاً شورای عالی انقلاب فرهنگی به کجا پاسخگو است؟ آیا مجلس می‌تواند به این شورا بگوید که بودجه‌ای که به شما اختصاص دادیم را چگونه هزینه کرده‌اید؟ این مسئله باید جایی حل شود؛ اینطور نمی‌شود. بخش عمده درآمدهای کشور دست نهادهایی است که پاسخگو نیستند.

«دولت چهاردهم بر کوچک‌سازی دولت تأکید بسیار دارد، با توجه به سهم بالای نهادهای فرادولتی از ثروت کشور، آیا این منجر به کوچک شدن سهم مردم نخواهد شد؟ و بر اعتماد عمومی چه تأثیری دارد؟»

زور آقای پزششکیان تنها به بخش‌های دولتی می‌رسد. در حالی که باید به موضوعات همه بخش‌ها رسیدگی شود.



محمد مهجاری فعال سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با هم‌میهن تشریح کرد:

بودجه حداقلی برای دستگاه‌های تحمیلی

سازمان مصرفی است، بنابراین، این قبیل سازمان‌ها باید در شرایط کنونی به سمت کوچکتر شدن و کاهش بودجه بروند. آقای رئیس‌جمهور به نکته‌ای اشاره کردند که در بخش ریاست‌جمهوری فقط ۴۰۰ نفر از چهار هزار نفر پرسنل موجود کافی هستند، اما در دیگر بخش‌ها نیز با ماراد قابل توجه پرسنل نیروی انسانی مواجه هستیم و دولت اگر بتواند با استفاده از روش‌هایی این میزان را کاهش و به سمت بخش خصوصی کارآمد بفرستد، راه‌گشا خواهد بود. برخی از نهادهایی که به آنها اشاره کردید که شاید سرجمع بودجه آنها عدد خیلی بالایی نباشد اما از نظر افکار عمومی این ارقام ولوپایی، به این دلیل که به سازمان‌های ناکارآمد پرداخت می‌شود، برجسته می‌شوند و افکار عمومی پرداخت بودجه به آنها را نمی‌پسندد. آقای رئیس‌جمهور می‌گویند که بودجه باید تابعی از عملکرد دستگاه‌های اجرایی باشد، بنابراین، این دستگاه‌ها هم اگر خروجی و برون‌دادی دارند باید در این مسیر قرار بگیرند تا بودجه در حد کارکرد خود دریافت کنند. در مورد جاهایی مانند آستان قدس و دیگر سازمان‌ها، بسیاری از اینها سازمان‌های تجاری هستند و اگر در مدیریت توانمند قرار بگیرند می‌توانند خودشان هزینه‌هایشان را پوشش دهند. اگر به سمت دولت کوچکتر پیش می‌رویم نه صرفاً به معنای قوه مجریه که به معنای حاکمیت، باید به سمت کوچکتر شدن و محدود شدن سازمان‌های حاکمیتی پیش برویم و آنها نیز از امکانات و پرسنل کم کنند تا یاری که بر بودجه کشور تحمیل می‌کنند کم شود.

«دوم، در باره نگاه مردم به این موضوع و برداشتی که از این بودجه‌ریزی دارند، چگونه باید اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی لازم در باره بودجه موسسات و نهادهای مختلف انجام گیرد؟»

بودجه براساس عملکرد، که آقای رئیس‌جمهور از آن اسم می‌برد، باید حتماً در یک فرایند نظارتی اتفاق بیفتد. سازمان‌هایی که بودجه می‌گیرند بدون اینکه گزارش‌ی به مجلس و مردم بدهند و در واقع مکان‌هایی صرفاً برای مصرف باشند، می‌شود نظارت مجلس بر آنها را تقویت کرد و نظارت مردمی و عمومی و رسانه‌ها نیز باید بر آنها تقویت شود. در واقع باید این نهادها را به سمت پاسخگویی بیشتر سوق داد. البته نباید این نکته را فراموش کنیم که برخی نهادها از نوع فرهنگی هستند و در همه‌جای دنیا سوسپد می‌گیرند؛ اینجور نهادهای نباید مانند نهادهای اقتصادی با آنها بر خورد شود و جاهایی باید رفاقی‌هایی به آنها صورت بگیرد.

گفتار سردبیر



توئیت‌کارخانه تولید دعواست

محمدجوادروح، سردبیر روزنامه هم‌میهن در گفت‌وگویی با انصاف‌نیوز می‌گوید: «توئیت‌ر به‌دلیل ساختار محدود و فضای دوقطبی‌شده‌اش، جای تحلیل سیاسی و کار رسانه‌ای حرفه‌ای نیست و حضور در آن باعث بدفهمی، تنش و تبدیل افراد معتدل به چهره‌های جنجالی می‌شود.» او تأکید می‌کند: «توئیت‌ر آدم‌ها را مجبور می‌کند تندترین جمله را بدون مقدمه بگویند و این امر نتنها برای تحلیل‌گران، بلکه برای سیاستمداران و شهروندان عادی نیز آسیب‌زااست.» او در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه «چرا سردبیر هم‌میهن از توئیت‌ر دوری می‌کند؟» تأکید کرد: «توئیت‌ر یا پلتفرمی نامناسب برای تحلیل و موضع‌گیری سیاسی می‌دانم.» به گفته او، محدودیت کاراکتر و فضای هبجانی این شبکه اجتماعی موجب می‌شود افراد تندترین موضع ممکن را در کوتاه‌ترین جملات بیان کنند و همین امر، زمینه‌ساز سوءتفاهم و دوقطبی‌سازی می‌شود.

روح در ادامه افزود: «توئیت‌ر جای تحلیل نیست. حضور در این پلتفرم الزاماتی دارد که کاربران را مجبور می‌کند به جای تشریح و تبیین مباحث خود، اصل حرف‌شان را بدون مقدمه و توضیح بگویند و همین هم، تنش و دعوا درست می‌کند.» سردبیر روزنامه هم‌میهن با تأکید بر اینکه «توئیت‌ر مناسب خبر فوری، نامناسب برای تحلیل» است، گفت: «توئیت‌ر برای انتشار سریع خبر برای خبرنگاران حوزه‌های خبری مناسب است؛ مثل صحبت مقامات و اطلاع‌رسانی رسمی یا بازتاب لحظه‌ای یک رویداد. اما برای تحلیل سیاسی یا بیان دیدگاه‌های فکری مناسبی ندارد.» او در ادامه افزود: «برای تحلیل‌گران سیاسی و اجتماعی، توئیت‌ر بدترین پلتفرم است. جای تحلیل و دادداشت نوشتن روزنامه، سایت یا تلگرام است که فضای تبیین مباحث و ارائه جامع تحلیل را به نویسنده می‌دهد.»

روح با بیان اینکه «توئیت‌ر همه را تند می‌کند» تصریح کرد: «فضای توئیت‌ر حتی افراد ذاتاً معتدل را نیز به سمت لحن تند و مواضع قطبی سوق می‌دهد، چون ساختار پلتفرم این را تحمیل می‌کند.» او با اشاره به فضای جنجالی توئیت‌ر تأکید کرد: «دوستانی دارم که در زندگی واقعی و بر خورده‌های‌شان بسیار منطقی‌اند، اما در توئیت‌ر تبدیل به آدم‌های جنجالی می‌شوند. در واقع، ابزار این روحیه تند را به افراد تحمیل می‌کند و حتی به‌تدریج نزد دوستان و نزدیکان‌شان وجهه و تصویر واقعی آنان را خنده‌دار می‌کند.»

سردبیر روزنامه هم‌میهن با بیان اینکه «مقامات و کاربران عادی هر دو تحت فشار فضای توئیت‌ر» هستند، تصریح کرد: «حضور افراد عادی و سیاسی در توئیت‌ر با یک چالش مشترک روبه‌روست: هم سیاستمدار، هم شهروند معمولی، در توئیت‌ر لحن‌شان تندتر می‌شود. چون پلتفرم اجازه تحلیل نمی‌دهد و فقط تحریک می‌کند. شکل گفت‌وگو و بیان مردم در توئیت‌ر بیش از اندازه خشن، بی‌مقدمه و قطبی است.»

روح با اشاره به تغییر مدیریت توئیت‌ر و انتقال آن به ایلان ماسک گفت: «به نظر می‌رسد نوع مدیریت و سیاستگذاری و الگوریتم‌های جدید توئیت‌ر (شبکه ایکس)، فضا را تندتر و آسیب‌زاتر کرده و همان کاربردهای مثبت محدود ابتدایی پلتفرم نیز تضعیف شده است.»

او در پاسخ به این سوال که «به‌جای توئیت‌ر چه باید کرد؟» گفت: «برای کار تحلیلی، روزنامه، سایت و تلگرام مناسب‌اند. برای زندگی شخصی و روزمره‌نویسی، اینستاگرام، توئیت‌ر برای هیچ کدام از این دو مناسب نیست. حضور طولانی مدت در فضای جنجالی توئیت‌ر، تصویر و شخصیتی از فرد می‌سازد که حتی می‌تواند به جایگاه حرفه‌ای و اجتماعی افراد لطمه بزند.»

سردبیر هم‌میهن در پایان تصریح کرد: «توئیت‌ر ابزار اشتباهی برای کار فکری است. استفاده از ابزار نامناسب، حتی بهترین تحلیلگر را هم تبدیل به چهره‌ای جنجالی می‌کند. همانطور که خودرو نمی‌تواند جایگزین هواپیما شود؛ در حوزه رسانه هم، از هر پلتفرمی باید متناسب با کاربرد واقعی آن استفاده کرد؛ نه آنکه از ابزاری خبری مانند توئیت‌ر توقع داشته باشیم جای روزنامه یا سایت‌های سیاسی و تحلیلی را پر کند،»